

نگرش‌های سه‌گانه به حج در ادبیات عرفانی

عضو هیئت علمی گروه ادیان دانشگاه تهران گفت:



عضو هیئت علمی گروه ادیان دانشگاه تهران گفت: طیفی از نگرش‌ها در مورد حج وجود دارد که می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ اول نگرش اثباتی به حج یعنی برای مناسک ظاهری حج ارزش ذاتی و والا قائل است؛ دیگری نگرش انتقادی به حج و نگرش سوم، رویکرد توأمان به مناسک ظاهری و معنای باطنی مناسک حج دارند.

محمود شیخیه گزارش اینکنا، محمود شیخ، عضو هیئت علمی گروه ادیان دانشگاه تهران، ششم خرداد ماه در نشست علمی «حج در ادبیات عرفانی» که از سوی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، با بیان اینکه در مورد حج از چند منظر می‌توان سخن گفت، افزود: یکی اینکه ما برپایه سنت خودمان یکسری تأویلاتی ارائه دهیم ولی باز به ذهنم رسید که اگر تحلیل ما ناظر بر متون کلاسیک صوفیه یعنی امهات متون صوفیه باشد، مستندتر، علمی و دقیق‌تر خواهد بود. از این رو چند متن را انتخاب کردم تا منظرهای مختلفی که صوفیه به حج نگاه کرده اند بازگو کنم از جمله مصباح الشریعه که منسوب به امام صادق (ع) است و کشف المحجوب و احیاء العلوم یا کیمیای سعادت غزالی و تذکره الاولیاء عطار.

وی افزود: حج در سنت اسلامی متضمن احکام فقهی است و چون عبادت عمرانه است و بر هر فرد یک بار فقط واجب است و در مکان خاصی محقق می‌شود متضمن نمادهای مختلف شده است یعنی ظرفیت عرفا برای تاویل و تفسیر آن خیلی زیاد است. لذا هم فقها و هم عرفا و هم مورخان و مفسران سیاسی اجتماعی در مورد حج سخن گفته اند و حتی برخی تفسیر سوسیالیستی از نمادهای حج ارائه داده اند و عرفا هم از منظر عرفان به تفسیر حج پرداخته اند.

شیخ با بیان اینکه نگاه عرفانی به حج از قدیم وجود داشته است و حتی از خود ائمه (ع) هم مطالبی داریم از جمله مصباح الشریعه که به تعبیر علامه حکیمی (که برخی تصور می‌کنند با فلسفه و عرفان مخالف بود) اگر از امام معصوم هم نباشد از سوی کسی است که خیلی با روایات آشنا است، تصریح کرد: مصباح الشریعه متنی بسیار قدیمی است و قبل از آن هم در کلمات زهاد و تابعین و تابع تابعین هم مطالبی دیده می‌شود.

استاد دانشگاه تهران بیان کرد: طیفی از نگرش‌ها در مورد حج وجود دارد که می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ اول نگرش اثباتی به حج یعنی برای مناسک ظاهری حج ارزش ذاتی و والا قائل است و علت هم این است که در این طیف از متون، تعبد خیلی مهم است و اگر گفته اند استلام حجر و طواف و سعی، یعنی عین ظاهری که شریعت درباره این‌ها فرموده است باید رعایت و پذیرفته شود.

نگرش انتقادی به حج در ادبیات برخی عرفا

وی ادامه داد: در برابر این نگرش، در سوی دیگر نگرش انتقادی به حج را شاهدیم یعنی برای مناسک ارزش ذاتی قائل نیستند که از جنبه‌های جذاب صوفیه است؛ به تعبیر دیگر بر محور اولویت معنا بر صورت، ایده پردازی می‌کنند. حلاج در تعبیری جنجالی گفت که بروید کعبه را خراب کنید یا دیگری گفت من رفتم مکه، کعبه به زیارت آمد و مرا طواف کرد یا اگر می‌خواهید کعبه را زیارت کنید، فلان ولی خدا را زیارت کنید. در دوگانه حج ظاهری و باطنی به حج باطنی اهمیت می‌دهند و آن را اولی می‌دانند و تقدم صورت بر معنا را دامن می‌زنند.

شیخ اضافه کرد: گروه سوم رویکرد توأمان به مناسک ظاهری و معنای باطنی مناسک حج دارند که نگرشی بسیار مورد توجه است؛ قائلان معتقدند که اگر صورت نباشد انسان به معنا نمی‌رسد و اگر معنا نباشد انسان از صورت بهره نخواهد برد؛ صورت، معنا تولید کرده و معنا به صورت هویت می‌دهد؛ این نگرش در بین صوفیان و عرفای بزرگی جلوه دارد؛ مولوی در اشعاری کاملاً به معنا اولویت می‌دهد و در جایی به هر دو نگرش توصیه می‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه مناسک حج تشریع شده و تبعیت از حضرت ابراهیم (ع) است لذا مناسک خودش موضوعیت دارد، اظهار کرد: عرفا بیش از همه به شریعت خدمت کرده اند زیرا شریعت را از پوسته به امری لایه مند تبدیل کرده و نمادآفرینی کردند و ظرفیت تفسیر متعدد برای یک منسک و عبادت ایجاد کردند لذا جذابیت عبادات بیشتر می‌شود. حج چون آداب و اماکن زیادی دارد می‌تواند در تفسیر لایه مند عرفانی مورد استفاده قرار بگیرد.

وی اضافه کرد: از چند منظر، کعبه و حج را می‌توان در اندیشه عرفا واکاوی کرد؛ اول اینکه کعبه نشان و یا فقط نقطه آغاز یک حرکت و بیانگر گرایش و زندگانی دیندارانه ما هست؛ کعبه خود سنگ نشانی است که ره گم نشود؛ منظر دیگر آن است که خود

کعبه و حج، مسیر است و ما در این مسیر رو به حرکت هستیم و خدا آن را طراحی کرده است. در نگرش دوم می گوید خود سفر موضوعیت دارد و در این سفر خودسازی و ریاضت وجود دارد.

شیخ با بیان اینکه کعبه به مثابه بیت الله، مقصد است یعنی فقط حرکت موضوعیت ندارد بلکه خودش مقصد است، تصریح کرد: در متون صوفیه دقیقاً شاهد کثرت گرایشی تفسیری هستیم و در این متون، تفسیر واحد وجود ندارد؛ نکته دیگر اینکه در اکثر روایات صوفی که از حج می بینیم تحول باطنی و اخلاقی بر انجام مناسک صرف اولویت دارد؛ در اغلب این متون تحول باطنی اولویت دارد ولی در مطالب مرتبط با جنید و پیروان او بر هر دو به صورت توأم تأکید شده است؛ همچنین تجربه شخصی در این متون، جایگاه ویژه دارد یعنی شاید در سنت متکلمین و فقها به این شکل نبینید که تجارب شخصی خود را بیان کنند. نگاه سنت عرفانی اسلام به حج

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اضافه کرد: حج در سنت عرفانی اسلام، فراتر از یک عبادت در کانون تجربه معنوی و حتی نقد عرفانی عرفا قرار دارد و به حج به عنوان یک عبادت جامع واجد ابعاد عرفانی و اخلاقی معنوی و سیاسی و اجتماعی نگاه می کنند و این عبادت را جذاب تر می کند.

وی با اشاره به گرایش اثباتی و نوع نگاه آن به احرام، گفت: احرام یعنی پوشیدن یک جامه دیگر که برای همه یکرنگ است؛ عرفا وقتی به احرام رسیده اند گفته اند احرام نفس را از مرادها بازداشتن است و عارفان با مراد نفس کاری نیست یعنی تأویل می کنند و می گویند اگر محرم شدی و نفس را از مرادها بازداشتی و در بند نیاوردی احرام حقیقی نکرده ای. یا در مورد احرام می گویند خدا فرمانروای عالم است و بیت الله امارت فرمانروا و احرام به سوی ملک و پادشاه گریختن است و راه رهایی پناه بردن به خود سلطان است زیرا دشمن در حرم ملک راهی نیست یا در احرام اجابت است به گفتار لبیک اللهم لبیک. یا در مورد عرفات گفته اند ظل وقوف است.

شیخ ادامه داد: در مورد وقوف مزدلفه گفته اند جای حاجت خواستن است و اگر انسان دوست را یافت فقط باید با او انبساط داشته باشد و در مورد رمی جمرات هم تعبیر عرفا فرارکردن از چیزی است که انسان دارد و انداختن است آن چه را با او دارد؛ طواف هم در تعبیر عرفا گرد در و دیوار دوست گشتن است و جز بوسه دادن به ارکان خانه نیست؛ در مورد سعی هم داریم هر که عارف است محب است و هر که مشتاق است متحیر است و متحیران را جز از کنج به کنج رفتن روی نیست. حلق اشارت است بر بریدن آن چه به او متعلق است یعنی مو را که تراشید خواسته های خود را کنار گذاشته است و ذبح هم جز خویشتن کشتن تحت مراد دوست نیست.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره به نمونه هایی از توجه به باطن و ظاهر در کلام عرفا، ادامه داد: در این رویکرد نمی گویند حج رفتن و تحمل سختی ظاهری بی فایده است و شاید یکی از تلاش های غزالی در بحث سنت اسلامی همین بوده است؛ او احیاءالعلوم را نوشت یعنی علوم رو به مرگ هستند و وی خواسته آن را احیا کند و چهار باب هم مورد توجه اوست؛ دو باب اول معاملات و عبادات است که جنبه فقهی دارد ولی منجیات و مهلکات جنبه اخلاقی و عرفانی دارد. غزالی و نگاه او به علوم دینی

وی افزود: او می گوید علم دین همه صورت شده است و من با تلفیق صورت و معنا قصد دارم دین را احیا کنم و به نظر بنده نام احیاءالعلوم یکی از هوشمندانه ترین اسامی است که او انتخاب می کند. او معتقد است که توجه به ظاهر علوم دینی آن را رو به مرگ برده است و من با افزودن اخلاق و عرفان قصد دارم آن را احیا کنم. شبیه این را فیض کاشانی در محجۃ البیضاء انجام می دهد. غزالی به هیچ وجه بر ظاهر حج تخطئه نمی کند و بر لزوم تعبد بر آن تأکید دارد گرچه برخی عرفا گاهی آنقدر محو باطن هستند که ظاهر را تخطئه می کنند.

شیخ با بیان اینکه این نگرش میانه و توأمان البته یک طیف است یعنی همه هر دو را قبول دارند ولی گاهی بیشتر به سمت باطن و گاهی بیشتر به سمت ظاهر گرایش یافته اند، تصریح کرد: در این نگرش مشاهده خیلی تقویت شده است؛ مثلاً کسی نزد یک عارف می رود و به او می گوید من حج رفتم ولی عارف به او می گوید تو حج نکرده ای یعنی با معرفت به حج نرفتی همچنین تمثیل حج به قیامت هم در متون صوفیه خیلی تکرار می شود و سفر حج به آخرت تشبیه می شود یعنی اینجا مقصد خانه است و در سفر مرگ، مقصد خداوند است؛ اینجا باید علایق رها شود و در هنگام مرگ هم ترک علایق وجود دارد؛ اینجا باید با وسیله سفر کنی و در مرگ سفر از جسم جداشدن است.

علی فرج زاده